

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پل کرگ رابرتس

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۶ جولای ۲۰۱۲

برگردان از: حمید محوی

۱۰ جولای ۲۰۱۲

آیا جهان می تواند از تکبر واشینگتن جان سالم به در برد؟ روسیه و چین در مگسک دولت اوپاما



وقتی رئیس جمهور ریگان مرا به مقام معاون خزانه داری برای سیاست اقتصادی اش برگزید، به من گفت که باید اقتصاد ایالات متحده را از رکود نجات دهد، تا با تمام قدرت اقتصادی بتواند روی رهبران روس برای مذاکره در مورد پایان جنگ سرد فشار بیاورد. ریگان گفت از این پس هیچ دلیلی وجود ندارد که در تهدید اتمی زندگی کنیم. دولت ریگان به این دو هدف دست یافت، ولی دولت های بعدی این دست آوردها را از بین بردند. نخست وزیر و جانشین ریگان، ژرژ هربرت والکر بوش پیش از همه برای نخستین بار با ملحق ساختن جمهوری های قدیمی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به ناتو، توافقات ریگان و گورباچف را زیر پا گذاشت، و پیرامون مرزهای روسیه پایگاه نظامی ایجاد کرد.

روند محاصره روسیه با ایجاد پایگاه نظامی بی وقفه توسط دولت های جانشین از طریق انواع و اقسام «انقلاب های رنگی» که «بنیاد ملی برای دموکراسی» تأمین ملی می شد، که بسیاری آن را بدل سازمان سیا می دانند. واشینگتن حتی تلاش کرد که دولتی زیر نظارت خودش در اوکراین روی کار بیاورد و تلاش هایش در گرجستان قدیمی شوروی، محل تولد جوزف ستالین به نتیجه رسید. رئیس جمهور گرجستان، کشوری که بین دریای سیاه و دریای کاسپین (دریای مازندران) واقع شده، عروسک واشینگتن است. او اخیراً اعلام کرد که گرجستان شوروی قدیمی در سال ۲۰۱۴ به کشورهای عضو ناتو خواهد پیوست.

قدیمی هائی که بین ما هستند می دانند که ناتو، سازمان پیمان اتلانتیک شمالی، اتحادیه ای بود بین کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده برای مقابله با ارتش سرخ، تا از گسترش سیطره آن برای کنترل اروپای غربی جلوگیری کند.

اتلانتیک شمالی خیلی خیلی از دریای سیاه و کاسپین دور است. ولی هدف از ورود گرجستان به ناتو، چه چیزی به جز ایجاد فرصت تازه ای برای ایالات متحده می تواند باشد که در آنجا پایگاه نظامی اش را جلوی دروازه روسیه بنا کند؟

کاملاً روشن است که واشینگتن - دموکرات یا جمهوری خواه - روسیه و چین را در مگسک خود هدف گرفته است. در حال حاضر، روشن نیست که آیا هدف امریکا تخریب هر دو کشور است یا تنها می خواهد توان و مقاومت آنها را در مقابل برتری جوئی واشینگتن خنثی سازد. هدف هر چه باشد، نتیجه احتمالی جنگ اتمی خواهد بود. رسانه های حاکم امریکا اعلام کرده اند که دولت بزهدار سوریه در حال کشتار مردم خودش می باشد که چیزی به جز دموکراسی نمی خواهند، اگر سازمان ملل متحد مداخله نظامی نکند، این کار را ایالات متحده به نام حقوق بشر انجام خواهد داد. مقامات رسمی ایالات متحده روسیه و چین را به خاطر مخالفت با حمله ناتو به سوریه تحقیر می کنند.

واقعیت، البته، متفاوت از آن چیزهائی است که رسانه های خود فروش و اعضای دولت امریکا نشان می دهند. به اصطلاح «شورشیان» سوریه مسلح به سلاح های نظامی هستند. «شورشیان» علیه ارتش سوریه می جنگند. شورشیان بین غیر نظامیان دست به کشتار می زنند و رسانه های خود فروش غربی می گویند که دولت سوریه مسؤول است، و چنین گزارشات تبلیغاتی را به جای واقعیت منتشر می کنند.

یک نفر باید این شورشیان را مسلح کرده باشد، زیرا آنها در بازار داخلی سوریه نمی توانند چنین سلاح هائی را خریداری کنند. غالباً افراد باهوش فکر می کنند که سلاح ها از سوی ایالات متحده یا واسطه های آن در اختیار شورشیان گذاشته شده است.

در نتیجه می توانیم بگوئیم که جنگ داخلی در سوریه، به همان شکلی که در لیبیا به راه افتاد، در واقع ساخته و پرداخته واشینگتن است، ولی اینبار روس ها و چینی ها پی برده اند که با قطعنامه های مشابهی که پیش از این در سازمان ملل متحد به تصویب رسید و توسط غرب علیه قذافی مورد بهره برداری قرار گرفت، باید مخالفت کنند.

برای منحرف ساختن مسأله، می توانید یک هواپیمای قدیمی مثل شکاری فانتوم متعلق به دوران جنگ ویتنام در سال های ۶۰ را از آسیانه اش خارج کنید و آن را بر فراز آسمان سوریه به پرواز درآورید. در این صورت سوری ها آن را هدف قرار خواهند داد، و ترکیه که هواپیمایش ساقط شده می تواند به عنوان عضو ناتو از ناتو درخواست کمک کند. در نبود قطعنامه سازمان ملل متحد، واشینگتن می تواند بر اساس وظایفش در چهار چوب منشور پیمان ناتو برای دفاع از عضو ناتو علیه سوریه که به اندازه کافی ابلیس نمائی شده وارد جنگ شود.

دروغ نئومحافظه کاران در پشت پرده جنگ های سلطه جویانه واشینگتن این است که ایالات متحده با تسخیر و بمباران کشورها دموکراسی به ارمغان می آورد. یادآوری یکی از جملات مائو در اینجا چندان بی مورد نیست که می گفت: «دموکراسی در دهانه تفنگ است». با این وجود، بهار عرب به قول و قرارهایش عمل نکرد، در عراق و افغانستان نیز که دو کشور آزاد شده بودند با تسخیر دموکراتیک ایالات متحده، پاسخ نداد.

آن چه ایالات متحده به ارمغان می آورد جنگ داخلی و تجزیه کشور است، به همان شکلی که رژیم کلینتن در یوگوسلاوی موفق به انجام آن شد. کشورها هر چه بیشتر تکه پاره و به قطعات متخاصم تجزیه شوند، واشینگتن قوی تر خواهد شد.

روسیه پوتین درک می کند که خود روسیه نه تنها در تهدید سرمایه گذاری های واشینگتن بین «اپوزیسیون روس» است، بلکه بلوای جهان مسلمان از طریق جنگ های واشینگتن علیه دولت های مدنی مسلمان مانند عراق و سوریه نیز تهدید دیگری برای روسیه ایجاد می کند. هرج و مرج به روسیه سرازیر می شود و با مشکلاتی مانند تروریسم چچن رو برو می شود.

وقتی دولت مدنی سرنگون می شود، گروه های مختلف اسلامگرا آزاد هستند علیه یکدیگر بجنگند. هرج و مرج داخلی کشور را ناتوان می سازد. همان گونه که پیش از این نوشتیم، غرب همیشه تسلط خود را بر خاورمیانه مدیون شاخه های مختلف اسلامگرا بوده که از یکدیگر بیش از غربی هائی که به فتح کشور هایشان نائل آمده اند تنفر می ورزند. به این اساس، وقتی واشینگتن دولت های مدنی، غیر اسلامی را از بین می برد، مانند عراق و یا طرحی که در سوریه پیگیری می کند، اسلام گرایان هستند که به میدان می آیند و جنگ قدرت را علیه یکدیگر آغاز می کنند. این موضوع برای واشینگتن و اسرائیل بسیار مناسب است زیرا مخالفان یکدستی را تشکیل نمی دهند.

روسیه شکننده است زیرا پوتین توسط واشینگتن و رسانه های ایالات متحده ابلیس نمائی شده و به این علت که اپوزیسیون روسیه پوتین توسط واشینگتن تأمین مالی شده و از منافع ایالات متحده دفاع می کند و نه منافع روس ها. بلوایی که واشینگتن در کشورهای مسلمان به راه می اندازد روی مردم مسلمان روسیه تأثیر می گذارد. برای واشینگتن مداخله در امور داخلی چین مشکلتر است، حتی اگر موجبات چند بلوای محلی را فراهم آورده باشد. تا چند سال دیگر اقتصاد چین احتمالاً از امریکا پیشی خواهد گرفت، و به جای قدرت غربی، یک قدرت آسیائی به نخستین قدرت اقتصادی جهان دست خواهد یافت.

واشینگتن به شکل جدی نگران همین چشم انداز است. زیر نظر وال استریت و گروه های خصوصی دیگر، واشینگتن قادر به نجات اقتصاد ایالات متحده و سقوط آن نیست. در واشینگتن، بیشتر مدافعان منافع عملیات قمارخانه وال استریت را پیدا می کنیم که به جای دفاع از سطح زندگی مردم، به منافع جنگ و شرکت های نظامی/صنعتی، و منافعی که از تغییر مکان دادن تولید و خدمات بازار ایالات متحده به دست می آید، فکر می کنند. در حالی که اقتصاد ایالات متحده از هم فرو می پاشد، اقتصاد چین اوج می گیرد.

واکنش واشینگتن عبارت است از تبدیل کردن اقیانوس آرام به منطقه نظامی. نخست وزیر اعلام کرد که منطقه جنوب دریای چین، جزء منافع ملی ایالات متحده تلقی می شود.

ایالات متحده سعی می کنند دولت فیلیپین را با کارت تهدید چین متقاعد سازد و به این اساس پایگاه دریائی شان را در سوبیک بای پس بگیرند. اخیراً، شاهد مانور دریائی مشترک ایالات متحده و فیلیپین علیه «تهید چین» بودیم. نیروی دریائی ایالات متحده در اقیانوس آرام مستقر می شود و روی جزیره ای در کره جنوبی در حال ایجاد پایگاه تازه ای است. نیروی دریائی ایالات متحده از این پس در استرالیا مستقر شده اند و دوباره در ژاپن و دیگر کشورهای آسیائی دست به آرایش نظامی زده اند. چینی ها احمق نیستند، و پی برده اند که واشینگتن می خواهد کشور آنها را محاصره کند.

برای کشوری که قادر نبود پس از ۸ سال عراق را اشغال کند و قادر نیست افغانستان را پس از یازده سال به اشغال خود درآورد، اقدام علیه دو قدرت هسته ئی عمل جنون آمیزی به نظر می رسد.

تکبر واشینگتن که به شکل روزمره از سوی نئو- احمق های محافظه کار تغذیه می شود، با وجود شکست آشکار در عراق و در افغانستان، به سراغ دو قدرت بزرگ روسیه و چین رفته است. جهان در تمام طول تاریخش هرگز حماقتی به این وسعت را به خود ندیده است. پسیکوپات ها، ضد اجتماعی و احمق هائی که در واشینگتن حکومت می کنند جهان را به سوی نابودی سوق می دهند.

دولت جنایتکار و بیمارناک واشینگتن، چه دموکرات باشد یا جمهوری خواه، که نتیجه انتخابات آینده هر چه باشد، بزرگترین خطر برای زندگی روی کره زمین خواهد بود که هرگز وجود نداشته است.

علاوه بر این، رسانه ها تنها پشتیبان این جنایتکاران هستند. در مقاله بعدی، اقتصاد امریکا را مورد بررسی قرار خواهم داد که آیا پیش از آن که این جنایتکاران جنگی در واشینگتن موفق به تخریب جهان شوند از هم فرو خواهد پاشید یا نه؟

پی نوشت مترجم :

در اینجا برای شناخت بیشتر نویسنده مقاله، پل کرگ رابرتس، از ویکیپدیا استفاده خواهیم کرد و با توضیحات دیگری در باره برخی واژگان در زمینه علوم سیاسی آن را تکمیل می کنیم. این توضیحات مختصر بیشتر برای مبتدیانی مثل خود من کاربرد خواهد داشت تا با برخی از اصطلاحات سیاسی آشنائی پیدا کنیم که ما دائما بی آن که الفبای آن را بدانیم در نشریات می خوانیم و از کنار آنها عبور می کنیم. این موزائیک از اصطلاحات فنی، درک وسیعتری از بازی زبان سیاسی در اختیار ما می گذارد که متعاقبا می توانیم در تحلیل های معاصر شناسائی کنیم.



پل کرگ رابرتس اقتصاددان و روزنامه نگار «پالنوکنسرواتور» (۱) امریکائی، است که در ۳ اپریل ۱۹۳۹ در آتلانتا (جورجیا) به دنیا آمده. از دانشگاه ویرجینی دکترا گرفته است، او دیپلمه انستیتوی تکتولوژی جورجیا، از دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) و دانشگاه آکسفورد است که در این آخری عضو «مرتون کالج» (۲) نیز می باشد.

در سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸، رابرتس کارمند کنگره بود. طی این مدت بود که قانون کمپ-روث (۳)، قانون کاهش مالیات را نوشت.

در آغاز سال های ۱۹۸۰، او معاون خزانه داری در دولت ریگان بود، و به عنوان یکی از پدر خواندگان و بنیانگذاران «ریگانومیک» (۴) بازشناسی شد، به ویژه به دلیل طرح اصلاحی در مورد «جریمه - عمل» در سال ۱۹۸۱. وزیر اقتصاد و امور مالی فرانسه ادوارد بلا دور، با بازشناسی خبرگی او، و «ایجاد تحول در علم اقتصاد و

سیاست پس از نیم قرن «انتروانسیونیسیم» در مارچ ۱۹۸۷ مدال «لژیون دونور» را به او اهداء کرد. علاوه بر این مبارزات او علیه مواد مخدر در امریکا نیز بازشناسی شد. رابرتس در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ در مرکز ستراتژیک و مطالعات بین المللی تدریس می کرد.

Paleoconservatism

Le Paléo-conservatisme

۱) پالئو-کنسرواتیسم یک اصطلاح مرتبط به یک جریان سیاسی در امریکا می باشد که جبهه ای از طرفداران کنسرواتورهای سنتی (محافظه کاران) را پیرامون محور «پروتکسیونیسیم» اقتصادی [یعنی سیاست اقتصادی که مداخله دولت یا یک گروه از دولتها را برای حمایت از تولید کننده ها علیه تولید کننده ها و دولت های رقیب را ضروری می داند. حمایت از کار در برخی از بخش های تولیدی، کاهش رکود تجاری، یا دفاع از امور رفاهی یا سطح زندگی، جزء اهداف این جریان است. راهکارهای پروتکسیونیسیم عبارت است از متوقف ساختن واردات با ایجاد سد گمرکی، شاخص های بازدارنده، و سدهای اداری و دفتری...، تشویق صادرات (پارانه های متنوع، کاهش های مالیاتی تشویقی به دلایل متنوع: پژوهش، حفظ محیط زیست و غیره...)، امتیاز قائل شدن برای شرکت های تجاری ملی، جلوگیری از سرمایه گذاری های خارجی و حفاظت از شرکت های ملی]. پالئو-کنسرواتیسم، در عین حال ضد کمونیست، ایزولاسیونیسیم نیز هست [ایزولاسیونیسیم: یک دکترین سیاست خارجی است که عدم دخالت نظامی و سیاست پروتکسیونیسیم را با هم ادغام می کند. ایزولاسیونیسیم تا مدتها پایه و اساس سیاست خارجی ایالات متحده بود. در سال ۱۸۲۳، این دکترین توسط رئیس جمهور جیمز مونرو ارتقاء یافت. جریان ایزولاسیونیسیم امریکائی با مداخله امریکا در جنگ جهانی از بین رفت، و دوباره در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به میدان آمد. حمله ژاپنی ها به پرل هاربر در اواخر ۱۹۴۱، ضربه نهائی را به این جریان وارد ساخت. ایزولاسیونیسیم در این آغاز قرن بیست و یکم کاملاً در حاشیه به سر می برد و موضوعی است که به گذشته تعلق دارد].

از دیگر پیوندهای پالئو-کنسرواتورها باید از تعبیر بسته فدرالیسم و ارزش های خانواده سنتی یاد کنیم. اگر چه پالئو-کنسرواتوریسم یک ایدئولوژی نیست، با این وجود پالئو-کنسرواتورها عموماً در جناح راست طیف انتخاباتی ریاست جمهوری در امریکا صف آرائی می کنند و طی دورانی طولانی در حزب جمهوری خواه نفوذ زیادی داشته اند. پالئو – کنسرواتورها در مورد برخی مسائل مانند مهاجرت و تبعیض مثبت، حضور امریکا در خارج و بیمه های اجتماعی، با سوسیال دموکراسی نیز کاملاً مخالف هستند. و دیگر این که از اصلیت هویت امریکائی دفاع می کنند.

(۲)

Merton College



مرتون کالج یکی از کالج های وابسته به دانشگاه آکسفورد در انگلستان است. این کالج خصوصا به دلیل حضور برخی استادان شهرت دارد، مانند : دنس اسکات، آدورنو یا تولکین. مرتون در سال ۱۲۶۴ توسط والتر مرتون بنیانگذاری شد، که کشیش راجستر بود. یکی از قدیمی ترین کالج های آکسفورد است. در قرن ۱۷، طی نخستین انقلاب انگلستان، مرتون کالج تنها کالژی بود که به حمایت از پارلمان صف آرائی کرد.

(۳)

Kemp-Roth

(۴)

Reaganomic

اصطلاح ریگانومیک، ترکیبی است از ریگان و اکونومیک(اقتصادی) و به سیاست اقتصادی رونالد ریگان مرتبط می باشد. ریگانومیک چهار اصل اساسی داشت که عبارت است از کاهش هزینه های دولت، کاهش مالیات بر درآمد و سرمایه، کاهش تنظیمات و کنترل پولی که برای کاهش تورم استفاده می شود. چنین راه کارهایی ریگان را از رؤسای جمهور پیشین متمایز ساخت. برخی ریگانومیک ها از **میلتون فریدمن** الهام گرفتند که پس از شرکت در اردوی انتخاباتی به کمیته اقتصادی در دولت ریگان پیوست.

تبصره مهم : روشن است که پل کرگ رابرتس هم چنان یک نظریه پرداز و تکنوکرات نظام سرمایه داری است.

گاهنامه هنر و مبارزه

۹ ژوئیه ۲۰۱۲

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/255>

Le monde peut-il survivre à l'arrogance de Washington ?

La Russie et la Chine en ligne de mire de l'administration Obama

par Paul Craig Roberts

[Mondialisation.ca](http://mondialisation.ca), Le 6 juillet 2012

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=31793>

Article original en anglais :

<http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=31...>

Traduit du français par Hamid Mahvi